

چالش‌های برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین: با تأکید بر معمای امنیتی اتحادها

داود غرایق زندی *

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

چکیده

ایران و چین در ۱۳۹۹ سند برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله را در قالب راهبرد ابرپروژه «یک راه، یک کمربند» چین امضا کردند. مطالعه متن سند غیررسمی منتشرشده نشان می‌دهد که این توافق فراتر از جایگاه ایران در راهبرد چین است و به نوعی سند توسعه عمومی کشور را در برمی‌گیرد. از آنجا که چین قرار است موتور توسعه کشور باشد، ایران باید مزیت‌های شایان توجهی در قبال این همکاری داشته باشد، تا طرف چینی چنین تعهدی را متقبل شود. پرسش اصلی مقاله این است که با توجه به نابرابری قدرت دو کشور، مهم‌ترین چالش‌های احتمالی پیش‌روی ایران در این سند چیست؟ براساس نظریه اتحادها، معمای امنیتی اتحادها مهم‌ترین چالشی است که این اتحاد به همراه خواهد داشت که در دو وجه خودمختاری/امنیت، و به‌دام افتادن/ترک اتحاد، چالش‌زا خواهد بود. در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که برقراری توازن قدرت و تقویت منافع مشترک، با ایجاد نوعی وابستگی متقابل بین دو کشور هم‌پیمان برتر و ضعیف‌تر مانع بروز معمای امنیتی اتحادها خواهد شد. با استفاده از روش پژوهش تحلیل محتوای مفهومی کیفی سند برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله دو کشور، مهم‌ترین دستاورد به‌دست‌آمده این است که با توجه به اهمیت محوری اصل بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، یعنی پرهیز از سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، برای کاهش اهرم فشار غرب و تلاش برای تغییر یکجانبه‌گرایی امریکا در نظام بین‌الملل، نباید زمینه وابستگی به شرق ایجاد شود. برای روبه‌رو نشدن با معمای امنیتی اتحادها، اجرای سیاست‌های برقراری توازن و نوعی بازدارندگی دوجانبه در قبال هر دو غرب و شرق، در عین بهره‌برداری از دو طرف برای حفظ منافع ملی کشور پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین، اتحاد، امنیت، معمای امنیتی، وابستگی

* نویسنده مسئول، رایانامه: d_zandi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۷ مهر ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

© University of Tehran

۱. مقدمه

برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین، نقشه راه دو کشور تا ۲۰۴۶/۱۴۲۵ را مدنظر دارد. این برنامه در قالب سند «یک جاده، یک کمربند» چین منعقد شده است، برنامه‌ای که در ۲۰۱۳ از سوی رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ اعلام شد و بیش از ۶۰ کشور جهان در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا در آن مشارکت دارند. این ابرپروژه قرار است تا ۲۰۴۹ حدود یک‌سوم تولید ناخالص جهان را در برگیرد تا چین بتواند با آن، دستاورد یک‌صدسالگی انقلاب خود را با نمایش قدرت بین‌المللی همراه سازد (Gharayagh-Zandi, 2018: 170). در راستای آماده‌سازی این ابتکار، رئیس‌جمهور چین در ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) به ایران سفر کرده و با تمام مقامات عالی‌رتبه کشور ما از جمله مقام معظم رهبری دیدار کرد. در پایان این سفر بیانیه مهمی از سوی دو کشور ارائه شد که براساس بند ۶ آن، زمینه شکل‌گیری سند راهبردی همکاری میان ایران و چین فراهم شد. در تیرماه ۱۳۹۹ زمینه انجام کار به تصویب هیأت دولت رسید و به وزارت خارجه دستور داده شد تا سند تهیه شود و به امضای طرف چینی برسد. سند برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله در فروردین‌ماه ۱۴۰۰ به امضای وزرای خارجه وقت دو کشور رسید.

تا زمان نگارش این مقاله اصل سند منتشر نشده و در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است، اما آنچه از متن سند غیررسمی می‌توان دریافت، تأکید بر عزم دو کشور برای ایجاد «اتحاد»^۱ برای بیش از دو دهه آینده است. به نظر می‌رسد تغییراتی در سیاست خارجی ایران به‌ویژه با روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی رخ داده است: نخست، تغییر ریل جدی از غرب‌گرایی به‌سوی شرق‌گرایی در حال انجام است. این موضوع پس از به سرانجام رسیدن فرایند برجام در دولت حسن روحانی و نبود پایبندی امریکا به توافق آشکارتر شد، و دورنمای همکاری با غرب را تیره ساخت؛ دوم، براساس اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره سیاست خودبستگی و خوداتکایی راهبردی در دستور کار بوده است؛ و این مسئله یکی از مزیت‌ها و سرمایه‌های راهبردی تعریف می‌شود. جمهوری اسلامی ایران بدون ورود به معادلات بین‌المللی و اتکا به همکاری با کشورهای دیگر، زمینه امنیت مناسب خود را فراهم می‌سازد و تمامی نیازهای مادی و نظامی خود را قادر است به روال متعارف با کشورهای دیگر در داخل بازسازی یا به‌نوعی تهیه کند (محمدی، ۱۳۷۷: ۷۰). به این سیاست تنهایی راهبردی ایران (Mesbahi, 2011: 14) در منطقه که از نظر مقامات کشور ما نقطه قوت سیاست خارجی ماست، انتقادهایی وارد است که دو نکته آن بسیار مهم است؛ نخست اینکه این خودبستگی راهبردی برای زمان وقوع انقلاب اسلامی و با نظام دوقطبی بین‌المللی در

سده بیستم تناسب دارد و نوع نگاه به استقلال و امنیت ملی در شرایط متحول نظام بین‌المللی نیازمند توجه به این تغییر و تحولات جدید در دوره پساجنگ سرد است (حاجی‌بوسفی، ۱۳۸۴: ۶۸)؛ دیگر اینکه پس از فروپاشی شوروی و افزایش یکجانبه‌گرایی امریکا، سیاست خارجی ایران تنها در وجه امنیتی فعال بوده، و از فعالیت برای توسعه اقتصادی، فناوری و سرمایه‌گذاری بازایستاده است. مسائل و مشکلات بسیار فراوان ایران در شانزده سال گذشته و در دو دولت محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی با دو دیدگاه متفاوت، اما در عمل یکسان و با حجم زیاد تحریم‌ها و فشارهای فزاینده بین‌المللی به این نگرانی دامن زده است.

این شرایط موجب شده است که سیاست خارجی ایران از حالت تدافعی خارج شود و چاره کار را در اتحاد با قدرتی در حال ظهور جست‌وجو کند. موضوع «اتحاد» تاکنون در دستور کار سیاست خارجی قرار نداشت، بنابراین بررسی و مطالعه در مورد آن امری پراهمیت است. از این‌رو در این مقاله، موضوع اتحاد و به‌طور مشخص قرارداد اتحاد با چین بررسی شده است. بررسی متن سند غیررسمی نشان می‌دهد که ایران افزون‌بر همکاری در قالب راهبرد «یک راه، یک کمر بند» با چین «برنامه جامع همکاری همه‌جانبه» را در دستور کار دارد؛ چنین برنامه‌ای به دو دلیل دارای حساسیت است؛ نخست، پیش از انقلاب اسلامی مشابه چنین سیاستی (رویکرد غرب‌گرایانه در مقابل شرق) به دلیل ایجاد دست‌نشاندهی برای دولت پهلوی (با وجود مزیت حفظ تمامیت سرزمینی کشور در مقابل اتحاد جماهیر شوروی)، زمینه تغییر نظام سیاسی را ایجاد کرد؛ دوم، تجربه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در موضوع اتحادها (در سازه جدید) نخستین تجربه به‌شمار می‌رود که ضرورت تبیین موضوع برای تناسب‌سازی این اتحاد با سازه مفهومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را دوچندان می‌سازد. با این نگاه، پرسش اصلی مقاله این است که مهم‌ترین چالش‌های اتحاد ۲۵ ساله ایران و چین کدام‌اند؟

براساس نظریه اتحادها، معمای امنیتی اتحادها مهم‌ترین چالشی است که این اتحاد به‌همراه خواهد داشت که در دو وجه خودمختاری/امنیت، و به‌دام افتادن/ترک اتحاد، چالش‌زا خواهد بود. در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که برقراری توازن قدرت و تقویت منافع مشترک، با ایجاد نوعی وابستگی متقابل بین دو کشور هم‌پیمان برتر و ضعیف‌تر مانع بروز معمای امنیتی اتحادها خواهد شد. مهم‌ترین موضوع در مدیریت اتحادها، پرداختن به «معمای امنیتی اتحادها» است که دربرگیرنده دو تناقض‌نمای امنیت/خودمختاری و به‌دام افتادن/کنار کشیدن است. به‌واقع، ایران به‌دنبال این است که ضمن حفظ استقلال، خودمختاری و امنیت، زمینه افزایش کنش و بازیگری در سطح بین‌المللی را برای خود ایجاد کند. در این زمینه، مباحث مهمی در نظریه اتحادها مطرح است که نگارنده تلاش دارد با بررسی نظری آنها، چالش‌های اتحاد ایران و چین را آشکار کند. یکی از راه‌های توانمندسازی دولت‌ها در سطح نظام

بین‌الملل ورود به مقوله اتحاد با قدرت‌هاست، اما مشکل جدی چنین رویه‌ای برای کشورها، مدیریت چالش‌های آن و پرهیز از درافتادن در معمای امنیتی است. وابستگی به قدرت برتر یکی از تله‌های معمای امنیتی اتحادهاست. در این پژوهش برای پاسخ‌دهی به پرسش مربوط به برنامه همکاری جامع ایران و چین، نخست، مباحث نظری در مورد قواعد اتحادها مطرح خواهد شد، سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بیانات رسمی و اطلاعات منتشرشده در مورد سند این همکاری بررسی خواهد شد؛ و در نهایت مهم‌ترین چالش‌های احتمالی مشخص شده و به راهکارهای مناسب برای مقابله با آنها اشاره می‌شود.

۲. چارچوب نظری؛ معمای امنیتی اتحادها

موضوع اتحاد و مدیریت اتحاد در روابط بین‌الملل به دو عامل مهم بازمی‌گردد: عقلانیت و قدرت (Erkomaishvili, 2019: 30). هنگامی که به‌طور سستی صحبت از دلایل شکل‌گیری اتحاد می‌شود، این موضوع تابع بحث توزیع قدرت یا برهم خوردن توازن قدرت در نظام بین‌الملل است. در واقع، موضوع اتحادها به مباحث سطح سیستمی در روابط بین‌الملل بازمی‌گردد (LeVeck & Narang, 2016: 4)، از این رو کشورهایی که در سطح نظام بین‌الملل دچار تنزل جایگاه مورد انتظار می‌شوند، به‌سوی اتحاد با قدرت‌ها گام برمی‌دارند تا موقعیت خود را بازسازی کنند. در کنار موضوع موازنه قوا که فرض محوری گرایش کشورها به‌سوی اتحاد است، استفان والت بحث توازن تهدید را نیز مطرح می‌کند (Walt, 1985: 5) که به‌نظر می‌رسد از دلایل مهم و لازم برای تبیین گرایش به اتحاد باشد؛ کشورها وقتی در معرض تهدید قرار می‌گیرند، برای حفظ استقلال و تمامیت سرزمینی به اتحاد گرایش می‌یابند، زیرا در شرایط تغییر موازنه قوا که دورنمای تغییر توزیع قدرت چندان روشن نیست که گرایش به ضد موازنه در دستور کار قرار گیرد، افزایش تهدید مشخص و معین، گرایش به تثبیت وضعیت را توجیه‌پذیر می‌سازد (Chun, 2000: 74).

اتحاد ممکن است با دو مفهوم دیگر همسان گرفته شود؛ ائتلاف^۱ مفهومی است که گاه جایگزین مفهوم اتحاد می‌شود. ائتلاف «مجموعه‌ای از اعضاست که در زمانی مشخص، اقدامی هماهنگ در قبال یک موضوع انجام می‌دهند» (Dwivedi, 2012: 225). بنابراین، ائتلاف در شرایط خاص و در قبال موضوعی خاص شکل می‌گیرد و با برطرف شدن موضوع نیز از هم می‌پاشد. به‌طور معمول، ائتلاف در شرایط تهدید نظامی شکل می‌گیرد. مفهوم دوم، تعهد^۲ است. «تعهد می‌تواند با هدف دستیابی به اهداف و ترجیحات یک سیاست خاص باشد که

1. Coalition
2. Alignment

مهم‌ترین آن اقدام متقابل یک دولت یا یک گروه از دولت‌ها برای رسیدن به یک موضع مسلط در نظام بین‌الملل است» (Erkomaishvili, 2019: 29). تعهد مفهومی در میانه اتحاد و ائتلاف است. از نظر زمانی مدت آن از ائتلاف بیشتر است، زیرا اشاره به تمایل کشورها برای همکاری نزدیک برای رسیدن به یک ترجیح یا هدف مهم است، اما تفاوت آن با اتحاد در این است که اتحاد نتیجه سیاست خارجی است. اگر تعهد یک فرایند باشد، اتحاد فرجام آن است که به‌طور مشخص روی کاغذ نوشته می‌شود و مورد امضای کشورهای ذی‌نفع قرار می‌گیرد. در واقع، تعهد اتحاد نانوشته است و اتحاد، متن نوشته‌شده تعهد است. آنچه در هر دو مورد اهمیت دارد، موضوع عقلانیت است که در ابتدای بحث نظری به آن اشاره شد. منظور از عقلانیت به‌طور مشخص همان سود و زیان پیوستن به یک اتحاد است (Chun, 2000: 76). زمانی که دولتی وارد اتحاد می‌شود، به این معناست که ترجیحات و هدف برتری دارد که تنها با وارد شدن به یک اتحاد تحقق‌پذیر است، و آن را برای طرف‌های ذی‌نفع در داخل اتحاد و بیرون اتحاد به‌طور مشخص اعلام می‌دارد. پس عقلانیت موردنظر در اتحادها با سه پرسش مهم روبه‌روست: چه نیازی برای ورود به اتحاد وجود دارد؟ تا چه حد شرکا امکان برآوردن آن نیازها را دارند؟ و ویژگی‌های واقعی متن قرارداد چگونه تنظیم شده است؟ (Chun, 2000: 76) در مجموع، «اتحاد پاسخ به‌نسبت هماهنگ با نهادسازی بین‌المللی است» (Chun, 2000: 3) و به یک معنی اتحاد پیوستار روابط بین تعهد تا فدرالی شدن است (Morrow, 2000: 65; Lake, 1996: 10).

در اینجا روشن است که وقتی کشورها وارد اتحاد می‌شوند، و به‌طور رسمی متنی را امضا می‌کنند، برخلاف ائتلاف و تعهد، ورود و خروج کار آسانی نیست، و مسائل و مشکلات بسیاری به‌همراه دارد. بنابراین بحث اتحاد موضوعی مهم و حساس قلمداد می‌شود که نیازمند عقلانیت است. از این نقطه، موضوع معمای امنیت اتحادها مورد توجه قرار می‌گیرد. بهترین حالت زمانی است که دولت‌ها (در شرایط برابر) برای مقابله بهتر با یک تهدید یا ایجاد موازنه جدید در قبال یک ضدموازنه با یکدیگر متحد شوند (Chun, 2000: 76)، اما اگر طرفین متقاضی اتحاد دارای قدرت برابر نباشند، با ویژگی معمای امنیتی اتحادها به تعبیر گلن اسنایدر مواجه می‌شویم (Chun, 2000: 83). در اینجا مهم‌ترین تناقض‌نماهای مدیریت اتحادها شکل می‌گیرد که تناقض‌نمای خودمختاری/ امنیت^۱ و به دام افتادن/ کنار کشیدن^۲ است. این ویژگی‌ها، اتحادها را به متقارن و نامتقارن بدل می‌سازند. به‌عبارت دیگر، زمانی که این تناقض‌نماها وجود دارد، اتحادها نامتقارن هستند و زمانی که وجود ندارد یا در حال کاهش

1. Autonomy/ Security
2. Entrapment/ Abandonment

است، روال به شرایط متقارن پیش می‌رود. تناقض‌نمای نخست معتقد است که اگر توان دولت‌ها برای تأمین امنیت کافی نباشد، به‌طور طبیعی به کشور تأمین‌کننده امنیت وابسته خواهد شد و همین مسئله، زمینه «بازی هماهنگی کامل» را در زمینه‌های سیاست داخلی، سیاست خارجی، سیاست امنیتی و سیاست‌های بین‌المللی فراهم می‌سازد. کشور ضعیف یا کوچک به‌طور متعارف سعی دارد تا با وارد شدن در اتحادها، زمینه استقلال عمل خود را افزایش دهد، اما معمای وضعیت این است که بناگاه ممکن است خودمختاری خود را از دست دهد.

در این شرایط وضعیت برای کشور برتر هم آسان نیست، زیرا ممکن است وارد تناقض‌نمای دوم شود که همان به دام افتادن یا کنار کشیدن است. اگر کشور برتر بتواند شهرت یا اعتبار یا وفاداری خود را به یک اتحاد نشان دهد، و استقلال کشور وابسته را تأمین کند، حتی به شکل وارد شدن به مذاکره برای رفع موضوع (Beckley, 2015: 20-21)، در این صورت تداوم وضعیت رخ خواهد دارد، و کشور وابسته هم در اتحاد باقی می‌ماند. به هر حال، اگر کشور برتر برای حمایت از امنیت دولت کوچک‌تر به دام جنگ و درگیری با کشور دیگری که بی‌ارتباط با منافع حیاتی اوست بیفتد، در واقع وارد یک چالش بزرگ شده است؛ یعنی اگر متعهد به اتحاد نباشد، کشور وابسته نیازی به این نوع اتحاد ندارد و اگر متعهد شود، وارد جنگی ناخواسته می‌شود که تنها برای نمایش برتری یا پرستیژ ملی از آن استفاده می‌کند. این شرایط فراتر از به دام افتادن است و شامل دفاع مستقیم تا ضمانت دفاع در شرایط غیرجنگی تا همکاری در محدوده منافع مشترک یا همکاری برای مقابله با دشمن مشترک می‌شود (Beckley, 2015: 20). در مجموع اگر منافع مشترک باشد، امکان نامتقارن بودن اتحادها کمتر است، ولی اگر تناقض میان امنیت و خودمختاری رخ دهد، و میان دولت برتر و وابسته نوعی وابستگی متقابل تعهدات به معنی «استفاده از رفتار گذشته برای پیش‌بینی یا توضیح رفتار آینده به‌ویژه در شرایط بحرانی» (Henry, 2020: 55) رخ دهد، شرایط به معمای امنیتی اتحادها بدل می‌شود. در واقع، معمای امنیتی به این گزاره مهم اشاره می‌کند که کشورهایی که با هدف افزایش توان و موقعیت وارد اتحادها می‌شوند، در عمل با مشکلاتی همچون نبود توازن، حفظ استقلال، و خودمختاری و مشکلات امنیتی روبرو می‌شوند این گزاره به معنی بطلان اتحاد نیست، بلکه توجه به معمای امنیتی اتحادها و حساسیت آن است. اگر توان و عقلانیت با توقع و چشمداشت در ورود به اتحادها با تنظیم‌گری همراه نباشد، ممکن است به فاجعه منتهی شود.

۳. محورهای اصلی برنامه همکاری جامع ایران و چین

در سند غیررسمی منتشرشده چند عنوان وجود دارد که هر کدام بار معنایی خاص خود را

دارند و برنامه اقدام آن نیز باید متناسب با آن در نظر گرفته شود. عنوان سند «برنامه همکاری جامع» است. در مقدمه، به «دو شریک نزدیک» در عرصه‌های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی اشاره شده است. همچنین عبارت «شریک راهبردی مهم» آمده که موضوع را فراتر از همکاری و شریک نزدیک کرده است. در بند ۱ سند، هدف، «مشارکت راهبردی جامع» در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی ذکر شده است. بر همین اساس، هر کدام مدنظر باشد، متن سند هم باید با آن تناسب داشته باشد. این تناسب با محورهای مورد اشاره در زیر مشخص نیست در کدام تعریف قرار می‌گیرد.

جدول ۱. محورهای اصلی توافق ۲۵ ساله ایران و چین

موضوع	محورها
۱. نفت و انرژی	۱. عرضه پایدار نفت خام به چین ۲. همکاری در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت ایران ۳. مشارکت در ساخت و تجهیز مخازن ذخیره‌سازی نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران، چین و سایر نقاط جهان ۴. مشارکت در احداث، توسعه ظرفیت خطوط انتقال انرژی ایران ۵. تشویق سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و اجرای نیروگاه‌های حرارتی، نیروگاه‌های برق آبی، تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب، سد و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و ساخت تأسیسات آب شیرین‌کن‌های بزرگ ۶. همکاری و مشارکت شرکت‌های سرمایه‌گذار چینی در افزایش سهم انرژی تجدیدپذیر، نیروگاه‌های سیکل ترکیبی موجود در قبال «بیع متقابل، خطوط اعتباری، تحویل نفت یا فرآورده‌های نفتی» (تأکید از نگارنده است) ۷. همکاری در ساخت کارخانه‌های تولید و تجهیزات و فناوری‌های جدید در حوزه آب و برق ایران
۲. مالی، بانکی و بیمه‌ای	۱. گسترش همکاری‌های مالی، بانکی و بیمه‌ای در چارچوب اصول بازار و قوانین دو کشور ۲. تسهیل اجرای توافقات پیشین با مؤسسات تأمین اعتبار چینی و بررسی مداوم تأمین اعتبار طرح‌های عمرانی، تولیدی و خدماتی ۳. ایجاد شرکت تجاری مشترک به منظور تسهیل تجارت کالا ۴. تشویق تأمین مالی طرح‌های زیربنایی و مبادلات تجاری از طریق اعطای خطوط اعتباری ۵. گشایش شعبات یا نمایندگی بانک‌های ایرانی در مناطق ویژه اقتصادی چین و تأسیس بانک مشترک ایران و چین در سرزمین‌های اصلی دو کشور ۶. تسهیل سرمایه‌گذاری طرف چینی در پروژه‌های مناطق آزاد و تجاری-صنعتی ایران ۷. تشویق مؤسسات تأمین اعتبار برای همکاری مالی با ایران ۸. حمایت از همکاری‌های بیمه‌ای و پوشش بیمه‌ای پروژه‌های بزرگ ملی ایران ۹. گفت‌وگو درباره امکان تعمیق همکاری‌های تأمین مالی دو کشور برای حمایت از تجارت دوجانبه، توافقات سوآپ پولی، امضای موافقت‌نامه تأمین مالی دوجانبه و ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین
۳. حمل‌ونقل و زیرساخت	۱. تشویق سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در ساخت و توسعه فرودگاه‌ها، خرید محصولات هوایی تولید مشترک ایران و چین و توسعه زنجیره تأمین هوایی متشکل از شرکت‌های ایرانی

موضوع	محورها
	<p>۲. همکاری در زمینه مشاوره و مدیریت در زمینه مدیریت و راهبری فرودگاه، تبادلات علمی و آموزشی در بخش‌های مدیریت، صنعت هوایی، توسعه سامانه‌ها و تجهیزات ناوبری هوایی و زیرساخت فناوری اطلاعات</p> <p>۳. انتقال فناوری و مشارکت در توسعه فناوری‌های موردنیاز در صنعت هوایی</p> <p>۴. تسهیل در اجرا و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام ریلی و مشارکت در راه‌آهن ملی و منطقه‌ای</p> <p>۵. جذب سرمایه چینی در برقی کردن خطوط اصلی راه‌آهن ایران و مشارکت در ساخت آزادراه‌ها مثل آزادراه تهران-شمال</p> <p>۶. سرمایه‌گذاری مشترک در ساخت شهرهای هوشمند و زیست‌بوم در مکران</p> <p>۷. همکاری در ساخت ساختمان‌های سبز و هوشمند</p> <p>۸. تبادل فناوری و همکاری در ایجاد بزرگراه کوبری</p> <p>۹. مشارکت و تسهیل سرمایه‌گذاری چینی در توسعه شبکه لجستیکی بنادر، ساخت راه‌آهن و احداث پایانه‌های لجستیکی در مناطق آزاد و ویژه</p> <p>۱۰. استفاده از انواع فناوری‌های نوین ساخت‌وساز و انتقال دانش به ایران</p> <p>۱۱. ایجاد شرکت مشترک حمل‌ونقل دریایی</p> <p>۱۲. سرمایه‌گذاری در بخش‌های مسکن ایران</p> <p>۱۳. طراحی شهرهای جدید نسل نوین با رویکرد جدید هوشمند سازگار با محیط زیست.</p>
۴. علمی، فرهنگی، گردشگری و محیط زیست	<p>۱. اعطای بورس تحصیلی دولتی متقابل و تبادل استاد و دانشجو با حمایت صندوق‌های مالی مشترک</p> <p>۲. مشخص کردن پروژه‌های مشترک در حوزه فناوری‌های نوین</p> <p>۳. پیشنهاد واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های هوش مصنوعی چین به شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ایران (ایفیک)</p> <p>۴. ایجاد «انجمن رؤسای دانشگاه‌های بزرگ»</p> <p>۵. حمایت از کرسی‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی و چینی در دانشگاه‌های دو کشور</p> <p>۶. پروژه‌های مشترک در توسعه و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی</p> <p>۷. ایجاد تیم‌های واکنش اضطراری شبکه رایانه ملی دو کشور برای امنیت سایبری</p>
۵. مناطق آزاد و ویژه	<p>۱. تشویق سرمایه‌گذاران چینی در مناطق آزاد ایران به‌ویژه در مناطق آزاد قشم، اروند و ماکو</p> <p>۲. شناسایی و دسته‌بندی بنادر منتخب و مناطق ویژه اقتصادی یا آزاد تجاری</p> <p>۳. دعوت از کارشناسان چینی برای انتقال تجربیات و دانش مناطق آزاد تجاری و اقتصادی</p> <p>۴. ایجاد بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیا و صندوق جاده ابریشم</p> <p>۵. مشارکت در سرمایه‌گذاری بورس بین‌المللی مناطق آزاد ایران</p>
۶. صنعت، معدن و تجارت	<p>۱. همکاری بین شرکت‌های خودروساز به‌منظور انتقال فناوری مشترک و تولید مشترک</p> <p>۲. طراحی شهرک صنعتی تولید خودرو و صنایع مرتبط با آن با استفاده از فناوری انرژی تجدیدپذیر</p> <p>۳. سرمایه‌گذاری در تولید سلول خورشیدی</p> <p>۴. ایجاد صندوق مشترک اعطای اعتبارات صادراتی</p>
۷. کشاورزی و سلامت	<p>۱. همکاری در زمینه مقابله با ویروس کرونا</p> <p>۲. همکاری برای تأمین دارویی، تجهیزات و ملزومات پزشکی دو کشور.</p>
۸. نظامی - دفاعی و امنیتی	<p>۱. نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های صنایع دفاع ملی و همکاری‌های تجاری و صنعتی نظامی</p> <p>۲. گسترش همکاری‌های آموزشی و پژوهشی میان سازمان‌های نظامی، دفاعی و امنیتی</p> <p>۳. اجرای رزمایش‌های مشترک دریایی، زمینی و هوایی</p>

موضوع	محورها
	۴. گسترش همکاری در حوزه فناوری و صنعت دفاعی
۹. همکاری‌های سیاسی دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی	حمایت دو کشور از یکدیگر در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و حمایت چین برای عضویت ایران در پیمان همکاری‌های شانگهای
۱۰. طرح‌های میان/بلندمدت	۱. حمایت و توسعه ترانزیت و حمل‌ونقل کالا از طریق کریدور شمال - جنوب، بندر چابهار و بندر کاسپین ۲. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پالایشگاهی جاسک ۳. بهره‌گیری از ژئواکونومی منطقه‌ای ایران در ارتباط با همسایگان ۴. ایجاد مرکز تبادل داده‌های اینترنتی بین‌المللی (LXP) و خطوط انتقال ترافیک داده بین‌المللی

منبع: نگارنده

دو کشور ایران و چین خواهان امضای سندی برای اجرایی کردن پروژه «یک راه و یک کمر بند» هستند، زیرا چین فقط سه دهه برای تکمیل قسمت مهم این پروژه زمان دارد و ایران نیز نمی‌تواند از این سودبری مهم ژئوپلیتیک و انرژی بهره‌برداری نکند، چه پیش از این همیشه توسعه فعالیت انرژی و بهره‌گیری از مزیت جغرافیایی با همسایگان و محیط پیرامونی با مقاومت و مانع‌تراشی‌های آمریکا همراه بود؛ و در بسیاری از موارد هم در کاهش ارتباطات ایران، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی موفق بوده است. همچنین تحولات ساختار قدرت بین‌الملل نشان می‌دهد که نمی‌توان چین، این قدرت در حال ظهور را نادیده گرفت، زیرا این کشور در حال بدل شدن به قدرت بسیار مهم اقتصادی است، و در آسیای میانه و خاورمیانه حضوری چشمگیر دارد.

۴. چالش‌های توافق ۲۵ ساله ایران و چین؛ معمای امنیتی اتحادها

پیش از ورود به چالش‌های توافق ایران و چین، لازم است به مهم‌ترین اصل سیاست خارجی کشور در قانون اساسی (اصل ۱۵۲) اشاره‌ای شود: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸). مهم‌ترین موضوع در سیاست خارجی کشور موضوع «سلطه یا نبود سلطه» است که در تاریخ بلند نفوذ کشورهای غربی از سده نوزدهم ریشه دارد. به‌عبارت دیگر، هرچند داشتن اتحاد با قدرت‌های سلطه‌گر نفی شده، متحد شدن با قدرت‌های غیرسلطه‌گر نهی نشده است. اینکه

قدرت‌های غیرسلطه‌گر به‌طور دقیق چه کشورهایی هستند، نیازمند روشن‌نگری است، اما به‌نظر می‌رسد برای ایران، چین کشور سلطه‌گر محسوب نمی‌شود، زیرا اگر این تصور وجود داشت، قراردادی امضا نمی‌شد. اما همان‌طور که در بحث نظری اشاره شد، موضوع سلطه در سیاست خارجی زمانی شروع می‌شود که دو کشور دارای قدرت نابرابرند و خود این موضوع زمینه معمای امنیتی اتحادها را فراهم می‌آورد. در واقع از آنجا که مهم‌ترین موضوع محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بحث سلطه است، توجه به این موضوع اهمیت اساسی دارد، از این‌رو این مقاله بر این فرض است که هم تفاوت در قدرت دو کشور و هم محتوای سند که در بالا به آن اشاره شد، می‌تواند چالش‌های جدی در زمینه امنیت/خودمختاری در پی داشته باشد که مهم‌ترین آنها در این قالب عبارت‌اند از:

♦ چین کشوری در حال توسعه و نیازمند انرژی ارزان و در دسترس و همیشگی است؛ از این‌رو در شرایط تحریم، چین در پی دریافت نفت ارزان از ایران است و ایران نیز به‌دلیل فروش میزان مشخصی نفت در هر شرایطی، می‌تواند در برابر تحریم‌های بین‌المللی تاب‌آوری خود را افزایش دهد و دچار بحران‌ها و ناآرامی‌های داخلی نشود. در سند آمده است که در قبال دریافت انرژی قرار است بیع متقابل، خطوط اعتباری، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک و سوآپ پولی ایجاد شود. با این حال، این به معنای ناگزیر خرید ارزان نفت نیست، بلکه در قبال خرید پایدار نفت، ایران می‌تواند به‌جای دریافت مبلغ، از طریق سوآپ پولی به همان میزان خرید از چین داشته باشد و به این واسطه چین را به تضمین خرید پایدار انرژی متقاعد کند، اما طبیعی است که اگر این امکان عامل خرید ارزان انرژی باشد، به ضرر ایران است. ممکن است در مورد این موضوع دو نکته مطرح شود که نخست آیا در شرایط تحریم، راهکار دیگری وجود دارد؟ و آیا قرار است تحریم‌ها در این سطح همیشگی باشد که وارد توافق ۲۵ ساله با چین شدیم؟

♦ یکی از جدی‌ترین انتقادات به این سند موضوع تله وام^۱ است؛ منظور این است که یک کشور در شرایط اضطراری به کشور دیگری که توان مالی مناسبی ندارد، وام می‌دهد و در صورت بازپرداخت نکردن در زمان مقرر اقدام به بازتعریف موعد پرداخت با سود بیشتر می‌کند تا جایی که کشور گیرنده وام ناتوان از پرداخت کل وام شود و اعلام ورشکستگی کند که در آن زمان مجبور باشد دارایی‌های مهم و امتیازهای راهبردی به کشور وام‌دهنده در قبال بازگشت پول و سود آن واگذار شود (سو، ۱۳۸۰: ۱۳۹). به‌طور معمول کشورهای وام‌دهنده در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که امکان بازگشت سرمایه در شکل حداقلی آن وجود داشته باشد. شاید بیان تجربه چین در آسیای مرکزی و آفریقا راهگشا باشد. چین در کشورهای حوزه‌های

خطرپذیر سرمایه‌گذاری می‌کند. زمانی که آن کشور از بازپرداخت ناتوان می‌شود، سرمایه‌گذاری جدیدی در دارایی‌های راهبردی و مهم آن کشور می‌کند تا میزان سود خود را افزایش دهد و در عین حال سلطه و غلبه خود را بر مقدرات آن کشور اعمال کند. این روش به «دادن اعتبار برای اهداف امپریالیستی» هم معروف است (Scobell *et al.*, 2020: 25). به‌طور متعارف چین می‌کوشد تا خود را جایگزین نوع متفاوت سرمایه‌گذاری در دنیا معرفی کند. این شیوه برای کشورهای نیازمند در مراحل اولیه بسیار سخاوتمندانه به‌نظر می‌رسد، زیرا پرداخت وام بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی انجام می‌گیرد. این شیوه در ساختار سیاست خارجی چین به «دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی مردم‌گرا» معروف است. این دیپلماسی برای جمهوری اسلامی ایران که همواره در زمینه موضوع استقلال کشور و اعمال‌نظر صندوق‌های بین‌المللی نگران است، مورد مناسبی به‌نظر می‌رسد، به‌شرطی که ایران توان بهره‌برداری درست از وام‌ها را در کنار منابع غنی انرژی داشته باشد تا اگر شرایط رو به وخامت گذاشت، امکان بهره‌برداری بلندمدت از منابع انرژی، بنادر و معادن کشور بدون دخالت دولت ایران فراهم نشود، موضوعی که در این سند مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۲. تفاوت سبک حکمرانی غربی و چینی در خاورمیانه

ویژگی	حکمرانی غربی	حکمرانی چینی
اندیشه حکمرانی	اولویت با حکمرانی دموکراتیک	اولویت بر حکمرانی معیشتی
رهیافت	از پایین به بالا	از بالا به پایین
دستورکار	تندروانه	مترقی
روش حل مسئله	قیمومیتی	مشاوره‌ای
سطح دخالت	مشارکت کامل	مشارکت گزینشی
شریک‌گزینی	حکومت نخبگان	حکمرانی مدنی
سازوکار	بسته	باز
منافع	منافع امنیتی و ایدئولوژی سیاسی	منافع اقتصادی و اخلاقی

منبع: (Sun, 2017: 366)

♦ نکته مهم دیگری که در این سند مورد اشاره قرار گرفته، مشارکت فعال چین در حوزه فناوری، اینترنت ملی، و استارت‌آپ^۱ (نوبینادگر یا کسب‌وکار نوپا) است. چین از این راه می‌کوشد به دولت ایران کمک کند تا فضای مجازی را توسعه دهد، اما ورود یک کشور خارجی به این سطح از زیرساخت شبکه ارتباطات ممکن است عواقب ناخوشایندی در پی

داشته باشد. امنیت ملی هر کشوری ایجاب می‌کند که گردش اطلاعات خود را در اختیار گیرد یا حداقل حوزه اطلاعات داخلی از دسترس کشورهای خارجی دور باشد. در این سطح سه نکته قابل اشاره است: ایران، چین و روسیه خواهان ایجاد پایگاه داده‌پردازی داخلی‌اند. به هر حال اکنون از دانش مناسب و رقابتی با غرب برخوردار نیستند. در شرایط کنونی، هرچند اینترنت داخلی برخی از نگرانی‌های امنیتی را کاهش می‌دهد، اما موتور محرکه را در این کشورها به شدت کند خواهد کرد (Pashenkov, 2020: 85). نکته دوم اینکه ایران قرار نیست در این زمینه با چین یا روسیه همکاری کند، بلکه چین قرار است در این زمینه به ایران کمک کرده و در این بخش سرمایه‌گذاری کند. خود این موضوع دو آسیب جدی به همراه دارد: روند گردش اطلاعات کشور در اختیار چین قرار می‌گیرد و همچنین جریان اقتصادی فضای مجازی در کشور زیر نظارت چین قرار خواهد گرفت، و از امکان رقابت‌پذیری اقتصاد ایران با دیگر کشورهای جهان می‌کاهد. آخرین نکته این است که یکی از دلایل همکاری چین با اسرائیل دستیابی به فناوری‌های پیشرفته غربی است که به‌طور متعارف در اختیار چین قرار نمی‌گیرد؛ از این رو این موضوع زمینه آسیب‌پذیری محیط داخلی کشور در قبال اسرائیل را افزایش می‌دهد؛ این یکی از راهبردهای اعلامی اسرائیل برای همکاری با چین (Evron, 2016: 406-407; Orion, 2020: 4) است، زیرا چین و روسیه از جمله کشورهایی هستند که بیشترین تعامل را با بخش‌های مختلف کشور دارند.

♦ یکی دیگر از موضوعات مهم وضعیت برنامه هسته‌ای ایران در صورت اجرایی شدن این توافق است. دستیابی پاکستان به تسلیحات هسته‌ای از طریق همکاری نزدیک با چین تحقق یافت. بنابراین چه‌بسا چین با اشتیاق بیشتری در این زمینه به ایران کمک خواهد کرد، زیرا ایران هم منابع مالی مناسب‌تری نسبت به پاکستان دارد و هم امریکا رقیب جدی‌تری از هند است و چین مایل است هر کاری برای کاهش موقعیت این کشور یا افزایش توان نیروهای مخالف این کشور انجام دهد. اما به‌نظر می‌رسد این موضوع تا حد زیادی تابع نوع روابط ایران با غرب، و در مرحله بعد نوع روابط ایران و روسیه در نیروگاه بوشهر و سایر نیروگاه‌هاست. به‌طور معمول چین وارد موضوعات کشورهای دیگر در محدوده غیرپیرامونی خود نمی‌شود، اما از آنجا که ممکن است در مقدرات فناوری کشور نفوذ کند، زمینه همکاری در فعالیت‌های هسته‌ای کشور را حتی در حوزه‌های غیرنیروگاهی و در بحث توسعه و تحقیق افزایش خواهد داد. هرچند به‌نظر می‌رسد که در این حوزه، فناوری روسی و چینی چندان کارآمد نباشند.

♦ آخرین حوزه بحث همکاری‌های نظامی ایران و چین است. از آنجا که این حوزه هم همانند حوزه بالا بیشتر در زمینه همکاری ایران و روسیه است، چین همانند گذشته تنها در مواردی فعالیت می‌کند که سبب کاهش موقعیت روسیه در ایران نشود، اما اینکه چرا این

موضوع اهمیت بسیاری دارد، به سبب ابتکار «یک راه و یک کمربند» چین است. چین برای نظارت بر هر دو مسیر به‌ویژه مسیر آبی که کمربند مسیر اصلی است، نیاز به نیروی نظامی محافظ دارد. استقرار پایگاه‌های نظامی برای اطمینان از امنیت مسیر راه و همچنین نیاز به پایگاه‌های دریایی برای امنیت دریانوردی در مناطق مختلف جهان بخشی از موضوع موردنظر چین است. برای مثال، در دهه آینده چین چند بندر لجستیکی برای ناوهای دریایی خود در نظر دارد: پنج شرکت کشتیرانی چین کنترل ۱۸ درصد تمام کشتی‌های باری ۲۰ شرکت برتر جهان را در ۲۰۱۵ به خود اختصاص دادند. همچنین چین در ۲۰۱۵ در دوسوم از ۵۰ بندر جهان و ۶۷ درصد کانتینرهای جهان سرمایه‌گذاری کرده است. چین در ۴۰ بندر جهان از جمله جیبوتی، هامبانتوتا^۱ در سری‌لانکا، گوادر در پاکستان و بنادر سائو تومه^۲ و جزایر پرنسپ^۳ در اقیانوس اطلس به ارزش ۴۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است (Al-Tamimi, 2017: 612). پایگاه‌های نظامی محافظ این ابتکار چین، ممکن است در بدو امر تنها برای امنیت راه و امنیت دریانوردی باشد، اما مشخص نیست که در آینده برای کنترل ساختار داخلی کشورها استفاده نشود. مانور دریایی مشترک با چین و روسیه در دی‌ماه ۱۳۹۸ و نابرابری قدرت با دو کشور مزبور این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این دو کشور برای ایران وزن و جایگاه برابری قائل‌اند؟ آیا در آینده این سطح از ارتباط، استقلال ایران را به خطر نخواهد انداخت؟ آیا این دو کشور در محیط پیرامونی خود از نیروهای ایرانی برای مانور مشترک دعوت خواهند کرد؟ و پرسش‌هایی از این دست که باید پاسخ دهیم.

موارد بالا به تناقض‌نمای امنیت و خودمختاری در معمای امنیتی اتحادها اشاره دارد که زمینه آن بسیار فراهم است. همچنین تناقض‌نمای دوم هم در جای خود محل بحث است، زیرا چین امکان و علاقه‌ای برای ورود نظامی برای دفاع از همگرایی سرزمینی کشوری دیگر، خارج از محدوده دریای چین ندارد، زیرا در موضوع تایوان به شدت مراقب است که وارد تعهدات نظامی فراتر از دریای چین نشود. به هر حال، این موضوع ممکن است در آینده با گسترش پروژه «یک راه، یک کمربند» به حضور نظامی هم بینجامد، زیرا حفظ این پروژه و نمایش توانمندی، می‌تواند فعالیت‌های نظامی چین را گسترش دهد.

۵. نتیجه

توافق ایران و چین، اتحاد میان‌مدت است که با واکنش‌هایی در داخل کشور مواجه شده است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین وجوه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پرهیز از هرگونه

1. Hambantota
2. Sao Tome
3. Principe

سلطه‌طلبی و سلطه‌جویی است، موضوع توافق دو کشور نابرابر در میزان قدرت و توانمندی در سطح بین‌المللی، ضرورت بررسی را دوچندان کرده است. همچنین فشار فزاینده غرب به‌همراه تحریم‌ها و کاهش تاب‌آوری اقتصادی، مقامات کشور را به‌سوی این توافق سوق داده است. با این نگاه، هدف مقاله، بررسی چالش‌های پیش‌روی این توافق است تا کشور در آینده دچار معمای امنیتی اتحادها نشود. معمای امنیتی اتحادها سبب افزایش وابستگی کشور ضعیف‌تر به کشور برتر می‌شود و زمینه نفوذ و دخالت در مقدرات کشور را فراهم می‌آورد. اکنون این تصور وجود دارد که چین هنوز تا فرایند استعماری و استثماری راه زیادی در پیش دارد و تا آن زمان می‌توان از قدرت آن برای توازن قدرت یا کاهش فشار امریکا بهره‌برداری کرد. همچنین از آنجا که ایران واجد توان نفتی و گازی است، زمینه وابستگی بسیار محدود است و تنها همکاری دو کشور مدنظر قرار دارد.

آنچه در بررسی این سند به‌نظر می‌رسد تدقیق محورهای ذکرشده و تلاش برای رهایی از معمای امنیت و وابستگی است تا در آینده با انواع مخاطرات مواجه نشویم. این یادآوری نیز لازم است که رابطه و حتی اتحاد با شرق یعنی رابطه با چین، روسیه و هند موضوعی صحیح و مناسب و امری لازم است که با توجه به یکجانبه‌گرایی امریکا می‌تواند فضای تنفس بسیاری ایجاد کند و نوعی بازدارندگی دوجانبه به‌همراه دارد؛ یعنی شرق را برای کاهش اهرم غرب و غرب را برای ارتباط بهتر با شرق در نظر بگیریم تا فضای پرهیز از سلطه‌جویی و سلطه‌طلبی و تقویت منافع ملی فراهم شود. اگر این نتیجه حاصل شود، نه‌تنها از تله معمای امنیتی اتحادها گذر کرده‌ایم که موقعیت و قدرت خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش خواهیم داد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۴) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱). تهران: وزارت امور خارجه.
۲. سو، آلون. (۱۳۸۰) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. محمدی، منوچهر. (۱۳۷۷) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل. تهران: دادگستر.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۵۸، ۱۰ فروردین) «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران- فصل دهم: سیاست خارجی اصل ۱۵۲ الی ۱۵۵» در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133635>

(ب) انگلیسی

5. Al-Tamimi, Nasser. (2017) "The Rise of China: Beijing's Repercussions," *Contemporary Arab Affairs* 10, 4: 596-622, <DOI:10.1080/17550912.2017.1403753>.
6. Beckley, Michael. (2015) "The Myth of Entangling Alliances: Reassessing the Security Risks of US Defense Pacts," *International Security* 39, 4: 7-48, <DOI:10.1162/ISEC_a_00197> .
7. Chun, Chae-Sung. (1985) "Theoretical Approaches to Alliance: Implications on the R.O.K.-US Alliance," *International and Area Studies* 7, 2: 71-88. Available at: <https://www.jstor/stable/43111426> (Accessed 10 November 2021).
8. Dwivedi, Sangit Sarita. (2012) "Alliances in International Relations Theory," *Social Sciences and Interdisciplinary Research* 1, 8: 224-237. Available at: www.indianresearchjournals.com (Accessed 10 November 2021) .
9. Erkomaishvili, David. (2019) "Alliance Index: Measuring Alignments in International Relations," *International Studies* 56, 1: 28-45, <DOI:10.1177/0020881718825079>.
10. Evron, Yoram. (2016, March/April) "Israel's Response to China's Rise," *Asian Survey* 56, 2: 392-414, <DOI:10.1525/as.2016.56.2.393>.
11. Gharayagh-zandi, Davoud. (2018) "Iran's Perspective on Europe, Iran and Turkey Triangular Interdependencies: Based on BRI Initiative," *International Symposium on China's West Asian Strategies and Belt and Road Initiative-BRI*. Ankara: IRAM.
12. Henry, Iain D. (2020) "What Alliance Want; Reconsidering Loyalty, Reliability, and Alliance Interdependence," *International Security* 44, 4: 45-83, <DOI:10.1162/ISEC_a_00375>.
13. Lake, David A. (1996) "Anarchy, Hierarchy, and Variety of International Relations," *International Organization* 50, 1: 1-33. Available at: <https://www.jstor.org/stable/2706997> (Accessed 10 November 2021).
14. LeVeck, Brad L. and Neil Narang. (2019) "How International Reputation Matters: Revising Violations in context," *International Interactions* 43, 5: 797-821, <DOI:10.1177/0022343318808844>.
15. Mesbahi, Mohiaddin. (2011) "Free and Confined; Iran and the International System," *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2, 5: 9-34. Available at: http://irfajournal.csr.ir/article_123386.html (Accessed 10 November 2021).
16. Morrow, James D. (2000) "Alliances: Why Write Them Down?" *Annual Review* 3, 1:63-83, <DOI:10.1146/annurev.polisci.3.1.63>.
17. Orion, Assef. (2020) "China is National Security Threat No.1 to the United states and to Israel," *nss.org.il*. Available at: <https://www.inss.org.il/publication/china-threat> (Accessed 10 November 2021).
18. Pashenkov, Evgeny. (2020) "AL and Terrorist Threats: The New Dimension of Strategic Psychological Warfare," in Darya Bazarkia, Evgeny Pashinkev and Greg Simons, eds. *Terrorism and Advanced Technologies in Psychological Warfare: New Risks, New Opportunities to Counter the Terrorist Threat*. New York: Nova Science Publishing.
19. Scobell, Andrew, et al. (2020) *China's Grand Strategy: Trends, Trajectories, and Long-term Competition*. Santa Monica, CA, RAND. Available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2798.html (Accessed 10 November 2021).
20. Sun, Degang. (2017) "China and the Middle East Security Governance in the New Era," *Contemporary Arab Affairs* 10, 3: 354-371, <DOI:10.1080/17550912.2017.353791>.

-
21. Walt, Stephen M. (1985) "Alliance Formation and the Balance of World," *International Security* 9. 4: 3-43, <DOI:10.2307/2538546>.



Research Paper

The Challenges of Iran-China 25-year Comprehensive Cooperation Plan, with an Emphasis on the Alliance Security Dilemma

Davoud Gharayagh Zandi*

Assistant Professor, Faculty of Economic and Political Science, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Received: 29 September 2021, Accepted: 20 June 2022
© University of Tehran

Abstract

On March 2021, Iran and China signed an agreement as part of the Chinese Grand strategy, best known as Belt and Road Initiatives (BRI), which is a long-term plan to enable the Chinese government to project its power in the three continents of Asia, Africa and Europe by the 100th anniversary of the founding of the Communist Party of China, and its revolution in 2049. A qualitative content analysis of the unofficially published agreement shows that it goes beyond the perceived position of Iran in the BRI and echoes Iran's national development plans. If it means that China would become an engine of growth for Iran, there might be strategic reasons for the Chinese side to accept such a commitment. Thereupon, the main research question is as follows: Given the unequal power position of the two countries in the international system, what would be the primary challenges facing Iran as they relate to the Iran-China 25-year Comprehensive Cooperation Plan? It is widely argued that the main challenge of alliance is its security dilemma which include the two dimensions of autonomy/security and entrapment/abandonment paradoxes. In the research hypothesis, it is postulated that the creation of a balance of power and strengthening common interest is likely to lead to a kind of interdependence between the two superior and weaker countries, and will prevent the emergence of the security dilemmas of alliances.

The method used in the paper is the qualitative content analysis by which the researcher is able to objectively and systematically explain the content of any document such as the Sino-Iran Agreement. This method of analysis will be used to reveal the potential challenges facing the Iranian side as a result of signing the agreement. In general, states' primary interest inherent in their objectives to form an alliance might be classified as follows: a) to restore the balance of power, from a realist perspective; and b) to counterbalance against a perceived balance of threat. There are two issues that are associate

* Corresponding Author Email: d_zandi@sbu.ac.ir

with the alliance security dilemma; the first one is that in the absence of power parity, maintaining the security of the inferior state by the superior one would be at the expense of the autonomy of the inferior partner, particularly in its security decision-making process. The second one is that if the superior state strives to provide a security umbrella for the inferior state, it might be entrapped into an unwanted conflict with other Great Powers. Of course, if the powerful state fails to protect its ally against other influential states, the inferior partner consequently may decide not to stay in the alliance, and choose the abandonment as its best option. The issues that threaten all alliances are security dilemmas or predicament situation for the states which are in the alliance. These are daunting challenges for the main decision-makers who must decide when, in what situations, how, and with what outcomes to enter an alliance or withdraw from it. In general, three factors should be considered: what are the needs for the formation of an alliance, to what extent the alliance partners would meet those needs, and what are the actual terms and conditions of the contract forming the alliance.

In the conclusion, it is argued that since one of the guiding principles of IRI's foreign policy is the rejection of all forms of domination, it is of paramount importance not to rely on the East (e.g., China) in an attempt to avoid impressive pressures of the West. By considering the costs and benefits of the challenges posed by the agreement, Iran can avoid the alliance security dilemma, lower the likelihood of one-sided dependency by emphasizing dual deterrence from the West and East in accordance with the principles of Iran's foreign policy. Accordingly, Iran urgently needs to re-evaluate all factors involved in the alliance-formation process, particularly the alliance needs, and the expected outcomes of the terms specified in the text of the bilateral agreement.

Keywords: The Sino-Iran 25-year Comprehensive Cooperation Plan, Alliance, Security, Security Dilemma, Dependency

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://www.orcid.org/0000-0002-4778-4805>

References

- Al-Tamimi, Nasser. (2017) "The Rise of China: Beijing's Repercussions," *Contemporary Arab Affairs* 10, 4: 596-622, <DOI:10.1080/17550912.2017.1403753>.
- Beckley, Michael. (2015) "The Myth of Entangling Alliances: Reassessing the Security Risks of US Defense Pacts," *International Security* 39, 4: 7-48, <DOI:10.1162/ISEC_a_00197> .

- Chun, Chae-Sung. (1985) "Theoretical Approaches to Alliance: Implications on the R.O.K.-US Alliance," *International and Area Studies* 7, 2: 71-88. Available at: <https://www.jstor/stable/43111426> (Accessed 10 November 2021).
- Dwivedi, Sangit Sarita. (2012) "Alliances in International Relations Theory," *Social Sciences and Interdisciplinary Research* 1, 8: 224-237. Available at: www.indianresearchjournals.com (Accessed 10 November 2021).
- Erkomaishvili, David. (2019) "Alliance Index: Measuring Alignments in International Relations," *International Studies* 56, 1: 28-45, <DOI:10.1177/0020881718825079>.
- Evron, Yoram. (2016, March/April) "Israel's Response to China's Rise," *Asian Survey* 56, 2: 392-414, <DOI:10.1525/as.2016.56.2.393>.
- Gharayagh-zandi, Davoud. (2018) "Iran's Perspective on Europe, Iran and Turkey Triangular Interdependencies: Based on BRI Initiative," *International Symposium on China's West Asian Strategies and Belt and Road Initiative-BRI*. Ankara: IRAM.
- Haji-Yousefi, Amir Mohammad. (2005) *Siyāsāt-e khārejī-'i jomhurī-'i eslāmī-'i Īrān dar partov-e tahavolāt-e mantagheh'ī (The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Light of Regional Transformation, 1991-2001)*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs of Iran. [in Persian]
- Henry, Iain D. (2020) "What Alliance Want; Reconsidering Loyalty, Reliability, and Alliance Interdependence," *International Security* 44, 4: 45-83, <DOI:10.1162/ISEC_a_00375>.
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran (IPRC). (1979, March 30) "Qhānoon-e asāsi jomhourī-e eslāmī-'i Īrān (The Constitution of the Islamic Republic of Iran- Chapter 10: Foreign Policy, Articles 152 to 155)," *rc.majlis.ir (IPIC)*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/13363> (Accessed 10 November 2021). [in Persian]
- Lake, David A. (1996) "Anarchy, Hierarchy, and Variety of International Relations," *International Organization* 50, 1: 1-33. Available at: <https://www.jstor.org/stable/2706997> (Accessed 10 November 2021).
- LeVeck, Brad L. and Neil Narang. (2019) "How International Reputation Matters: Revising Violations in context," *International Interactions* 43, 5: 797-821, <DOI:10.1177/0022343318808844>.
- Mesbahi, Mohiaddin. (2011) "Free and Confined; Iran and the International System," *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2, 5: 9-34. Available at: http://irfajournal.csr.ir/article_123386.html (Accessed 10 November 2021).
- Mohammadi, Manochehr. (1998) *Siyāsāt-e khārejī-'i jomhurī-'i eslāmī-'i Īrān: Osol va masāel (The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Principles and Issues)*. Tehran: Dadgostar. [in Persian]
- Morrow, James D. (2000) "Alliances: Why Write Them Down?" *Annual Review* 3, 1:63-83, <DOI:10.1146/annurev.polisci.3.1.63>.

- Orion, Assef. (2020) "China is National Security Threat No.1 to the United states and to Israel," *nss.org.il*. Available at: <https://www.inss.org.il/publication/china-threat> (Accessed 10 November 2021).
- Pashenkov, Evgeny. (2020) "AL and Terrorist Threats: The New Dimension of Strategic Psychological Warfare," in Darya Bazarkia, Evgeny Pashinkev and Greg Simons, eds. *Terrorism and Advanced Technologies in Psychological Warfare: New Risks, New Opportunities to Counter the Terrorist Threat*. New York: Nova Science Publishing.
- Scobell, Andrew, et al. (2020) *China's Grand Strategy: Trends, Trajectories, and Long-term Competition*. Santa Monica, CA, RAND. Available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2798.html (Accessed 10 November 2021).
- So, Alvin. (2001) *Social Change and Development*, trans Mahmood Habibi Mazaheri. Tehran: Pajoheshkadeh-ye motāleāt-e rāhbordi (Strategic Studies Center). [in Persian]
- Sun, Degang. (2017) "China and the Middle East Security Governance in the New Era," *Contemporary Arab Affairs* 10, 3: 354-371, <DOI:10. 1080/17550912. 2017.1353791>.
- Walt, Stephen M. (1985) "Alliance Formation and the Balance of World," *International Security* 9. 4: 3-43, <DOI:10.2307/2538546>.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.